

دلایل ناترازی صندوق‌های بیمه‌ای

از مداخلات غیربیمه‌ای ورکود اقتصادی تا تعهدات جدید بیمه گران



می گیرد. به‌عنوان نمونه بخشی از مبلغ حق‌بیمه‌راندگان باید از محل صرفه‌جویی انرژی به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شود. «این کارشناس حوزه بیمه‌های اجتماعی افزود: «در شرایطی، ایفای تعهدات دولت در قبال بیمه‌گران اجتماعی طی سال‌ها با اختلال مواجه می‌شود. به این واسطه خدمات از سوی سازمان‌های بیمه‌ای انجام می‌شود و در مقابل ایفای تعهدات از سوی دولت‌ها به‌صورت ناقص در دست‌ور کار قرار می‌گیرد. رویه اشاره شده حتماً منابع و پایداری بیمه‌های اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد.»

تأثیر رکود اقتصادی بر پایداری بیمه گران

این کارشناس حوزه بیمه‌های اجتماعی همچنین رکود حاکم بر بازار کسب و کار و شرایط نامناسب رشد اقتصادی برخی دوره‌ها را تهدیدی برای پایداری و منابع صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌ای دانست.

او یادآور شد: «وضعیت نامتعادل حوزه کسب‌وکار، مسائل حقوق و دستمزد و حق بیمه را به سمت حداقل‌ها هدایت می‌کند. به همین خاطر منابع حق بیمه نهادهای بیمه اجتماعی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و این موضوع تعهدات آتی را با چالش مواجه می‌کند. در نهایت اینکه به واسطه موارد اشاره شده در حوزه فعالیت صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌ای، منابع این نهادهای خدمات‌محور اجتماعی تضعیف و پایداری الزامی آنان با مشکل مواجه می‌شود. حال در این وضعیت پرسش اینجاست که با استفاده از چه رویکردها و سازوکارهایی باید مانع ایجاد چالش‌های مذکور شد.»

وظیفه دولت‌ها در تأدیه بدهی به بیمه‌های اجتماعی

عابدی‌روش همچنین درباره تأدیه بدهی انباشته شده نهاد دولت به بیمه‌های اجتماعی، گفت: «بخشی از منابع صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌ای به واسطه طرح‌های حمایتی دولت و تعهدات قانونی ایجاد شده باید توسط دولت‌ها به نهادهای بیمه‌گر اجتماعی پرداخت شود. عدم پرداخت یا تأخیر در پرداخت حق بیمه توسط بیمه‌شدگان، مطابق قانون مشمول جبران خساراتی از سوی این افراد می‌شود و این موضوع در ارتباط با دولت‌ها صدق نمی‌کند. «او اضافه کرد: «نهاد دولت در دوره‌های مختلف، تأدیه بدهی حسابرسی شده در قبال صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌ای را رد کرده و صرفاً خود را متعهد به پرداخت اصل حق بیمه می‌داند. این در حالی است که در این وضعیت، تورم حاکم بر منابع و خدمات ارائه شده بیمه‌گران نظیر سازمان تأمین اجتماعی در دوره‌های مختلف بر شرایط این سازمان‌ها تأثیرگذار بوده و باید به شکلی جبران شود. همواره این مسئله بین سازمان تأمین اجتماعی و دولت‌ها به‌عنوان یک موضوع محل گفت‌وگو بوده است. «این کارشناس حوزه بیمه‌ای تأکید کرد: «در برخی موارد اصل هزینه‌کرد تعهدات سازمان تأمین اجتماعی از سوی دولت‌ها نادیده گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال در قانون تأمین اجتماعی، سه درصد حق بیمه هر فرد باید توسط دولت تقبل و پرداخت شود که در این پرداخت، اصل و جرائم این بخش از حق بیمه از سوی دولت‌ها مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد.»

او ادامه داد: «دولت‌ها باید برای حفظ و استمرار پایداری صندوق‌ها

و سازمان‌های بیمه‌ای، ایفای تعهدات خود به‌ویژه در حوزه پرداخت‌های ریالی سهم حق‌بیمه را در دستور کار داشته باشند. در این صورت اختلافی در حوزه تأدیه بدهی نهاد دولت به صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌ای به‌ویژه سازمان تأمین اجتماعی باقی نمی‌ماند.»

عدم ایجاد تعهد جدید برای بیمه‌ها

این کارشناس حوزه بیمه‌های اجتماعی گفت: «یکی از بندهای سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی به استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی به‌صورت یکپارچه، فراگیر و چندلایه اشاره دارد. دولت باید در حوزه عمل به این نوع نظام رفاهی و تأمین اجتماعی، توجه به وسع و درآمد افراد در تقسیم‌بندی آن را در دستور کار قرار دهد. از سوی دیگر ممنوعیت ایجاد هزینه‌ها و تعهدات جدید (اشاره شده در برنامه هفتم توسعه) از سیاست‌های ابلاغی حوزه تأمین اجتماعی باید مورد توجه ویژه دولت‌ها باشد.»

به گفته عابدی‌روش، در بند ۲ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی آمده است: «پایبندی به حقوق و رعایت تعهدات بین‌نسلی و عدم تحمیل طرح‌های فاقد تضمین مالی بین‌نسلی، تأمین منابع پایدار، رعایت محاسبات بیمه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف و حفظ و ارتقای ارزش ذخایر سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی به‌عنوان اموال متعلق حق مردم با تأکید بر امانت‌داری، امنیت، سودآوری و شفافیت با ایجاد ساز و کار لازم.» متن این بنده این موضوع اشاره دارد که اصول بیمه‌های اجتماعی باید براساس محاسبات بیمه‌ای شکل گیرد. او همچنین ابراز امیدواری کرد که با استناد به سیاست‌های کلی و برنامه هفتم توسعه، عدم ایجاد تعهد جدید برای صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌ای از سوی دولت در بودجه‌های سننواتی نیز مورد توجه قرار گیرد. طبیعتاً به واسطه اولویت‌دهی به ایجاد نکردن تعهد جدید برای بیمه‌های اجتماعی، پایداری بیشتر این نهادهای اجتماعی خدمات‌محور را می‌توان متصور بود.

تقویت سرمایه‌گذاری برای تضمین منابع بین‌نسلی

عابدی‌روش در ارتباط با ضرورت تقویت و تضمین سرمایه‌گذاری حوزه صندوق‌های بیمه‌ای، بیان کرد: «تقویت زمینه‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت در حوزه فعالیت صندوق‌های بیمه‌ای، منافع بین‌نسلی در بیمه‌های اجتماعی را موجب می‌شود. به‌عبارتی اولویت‌دهی به بخش‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌ای، تسهیل خدمات این نهاده‌ا و صیانت از حقوق شرکای اجتماعی و ذی‌نفعان آن‌ها را تضمین خواهد کرد. اگر تغییر نگاه و رویکرد صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی به سمت توسعه و تقویت سرمایه‌گذاری باشد و دولت‌ها نیز در این زمینه تسهیل‌گری لازم را داشته باشند، وضعیت مناسبی در این حوزه رقم خواهد خورد. «او در ادامه توضیح داد: «تجربیات گذشته ثابت کرده که دولت هیچ وقت به‌عنوان یک کارفرمای خوب عمل نکرده است. در واقع دولت‌ها شاید در حوزه سیاست‌گذاری درست عمل کنند اما در بخش مربوط به کارفرمای امکان رفتار متناسب با شرایط را ندارند. این یک تجربه بین‌المللی در بسیاری از کشورهای جهان محسوب می‌شود. دولت‌ها به این واسطه باید سیاست‌گذاری‌های اساسی نظیر راهبری حوزه سرمایه‌گذاری صندوق‌های بیمه‌ای را به ذی‌نفعان، شرکای

بیمه



atiyeno.ir

یادداشت



تعادل منابع و مصارف رویکرد پیشگیرانه حوزه ناترازی



سازمان تأمین اجتماعی نهادی بیمه‌گر با رویکرد اجتماعی، اقتصادی، رفاهی، حمایتی، بیمه‌ای و درمانی به حساب می‌آید که برای استمرار حیات و ادامه ارائه خدمات به جامعه ذی‌نفعان، نیازمند تعادل در حوزه منابع و مصارف است. این مهم و پیشگیری از ایجاد ناترازی، از طریق راهبری متناسب با ظرفیت‌های اساسی سازمانی و شرکای اجتماعی حاصل می‌شود. در حال حاضر بالغ بر ۸۶ درصد منابع تأمین اجتماعی با وصول حق بیمه و بقیه از محل سرمایه‌گذاری و سایر منابع درآمدی این سازمان بیمه‌گر تأمین می‌شود. به این واسطه شاخص تأمین منابع بیمه‌ای مهم‌ترین محور مورد تأکید و تمرکز تأمین اجتماعی در حوزه بیمه‌ای به‌شمار می‌رود.

بدون شک موضوعاتی نظیر رشد مستمری سالانه، اتفاقات حوزه خُرد اقتصاد و موضوع تورم، بیمه‌های اجتماعی را به سمت متناسب‌سازی حقوق هدایت خواهد کرد. بنابراین سازمان‌های بیمه‌گر برای رسیدن به تعادل منابع و مصارف و تقویت این حوزه نیاز به افزایش ورود بیمه‌شدگان در همه طیف‌ها و گروه‌ها دارند.

سازمان تأمین اجتماعی در راستای پیشگیری از ایجاد ناترازی باید همواره جذب بیمه‌شدگان جدید را در دستور کار داشته باشد. این نهاد باید با توجه به بازنگری افزایش دستمزد‌ها به‌عنوان یک شاخص خلق‌کننده منابع و تقویت اصلاحات بیمه‌ای از بعد منابع و مصارف، ماندگاری بیمه‌شدگان را به سطح توجیه‌کننده ایفای تعهدات بلندمدت در نظر داشته باشد.

حیات و پایداری همه صندوق‌های بیمه‌گر بستگی به تعداد بیمه‌شدگان، ورودی منابع و تأمین به‌موقع آن دارد. به همین منظور سازمان تأمین اجتماعی در راستای افزایش شمار بیمه‌شدگان و تعادل منابع و مصارف نیازمند اجرای طرح‌هایی برای توسعه بیمه‌ای از طریق جمعیت‌بدون بیمه اجتماعی است. چالش تعادل منابع و مصارف در صندوق‌های بیمه‌ای را باید به‌عنوان یک ضرورت بررسی کرد. در واقع موضوع ناترازی در حوزه فعالیت این سازمان‌ها یک مسئله مهم محسوب می‌شود و باید جدی گرفته شود.

زمانی در تأمین اجتماعی بیش از ۳۰ نفر بیمه‌پرداز و یک نفر مستمری‌بگیر تحت‌پوشش بودند؛ اکنون اما در وضعیتی متفاوت، به‌طور متوسط این میزان ورودی و خروجی در کل کشور به رقم پایین‌تری رسیده است. در حال حاضر به‌طور میانگین چهار نفر بیمه‌پرداز و یک نفر مستمری‌بگیر، بازنشسته، از کارافتادگی یا بازمانده از این نهاد حقوق‌ماهانه دریافت می‌کنند؛ این شرایط در اصطلاح کارشناسی و تحلیلی به ضرب همبستگی (پشتیبانی) معنا می‌شود.

اکنون تعادل ضریب پشتیبانی در صندوق‌های بازنشستگی و سازمان تأمین اجتماعی اوضاع متفاوتی را نسبت به گذشته تجربه می‌کند. به این دلیل میزان مصارف این بیمه‌ها از منابع آنان بیش‌تر گرفته است. این وضعیتی است که ناترازی را در برخی صندوق‌ها ایجاد کرده است.

حیات پایدار یک سازمان بیمه‌گر نظیر تأمین اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که چند مؤلفه مهم در کنار یکدیگر شکل گیرند؛ رشد کمی و کیفی اشتغال، توسعه بیمه‌ای، اقدامات پیشگیرانه در حوزه ناترازی، تحقق نظام بیمه‌ای و محاسبات بیمه‌ای از این جمله محسوب می‌شوند.

همچنین تحقق دستمزد‌های واقعی و استاندارد نیز در رشد منابع، ایجاد تعادل حوزه منابع و مصارف و تأمین آینده بیمه‌گران بین‌نسلی تأثیرگذار خواهد بود. از نگاهی دیگر باید به این سمت حرکت کنیم که علاوه بر استانداردسازی رابطه بین سن بیمه‌شدگان و متوسط ماندگاری آنان در تأمین اجتماعی، سهم مشارکت هر بیمه‌شده و دولت و کارفرمایان بازتعریف شود.

اجرای برنامه تحولی برای این موضوع یک ضرورت به‌شمار می‌رود تا بتواند توسعه نظام تأمین اجتماعی و ارتقای کیفیت خدمات این سازمان را رقم‌زده و در نهایت رضایت و اعتماد عمومی ذی‌نفعان و شرکای اجتماعی را به دنبال داشته باشد. همچنین اجرای برنامه‌های اقتصادی باید به حوزه اجتماعی معطوف باشد؛ میزان اثربخشی آن و کمک این برنامه‌ها به حوزه رفاه، بهبود و ارتقای معیشت و رشد سطح کیفیت زندگی جامعه تحت‌پوشش بیمه‌های اجتماعی را موجب خواهد شد.

مجموع دلایل و سازوکارهای اشاره شده در حوزه‌های تخصصی بیمه‌ای و اقتصادی، ابزاری برای جلوگیری از ناترازی بیمه‌ای و به تعادل رساندن هزینه‌کرد و درآمد بیمه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند.

اجتماعی و مالکان این نهادهای بیمه‌گر واگذار کند. «این کارشناس بیمه‌ای تأکید کرد: «در این شرایط با توجه به فعالیت شورای عالی بیمه‌های تجاری، شورایی با محوریت تصمیم‌سازی کلان حوزه بیمه‌های اجتماعی نیز باید شکل گرفته و راهبری سیاست‌گذاری این بخش را عهده‌دار باشد. شرکای اجتماعی صندوق‌های بیمه‌ای به دلیل تسلط بر منافع عمومی ذی‌نفعان این نهادهای اجتماعی، بهتر امکان تصمیم‌گیری کلان و نظارت بر روند تأمین منافع و صیانت از منابع این سازمان‌ها را خواهند داشت. «او همچنین معتقد است: «اگر دولت‌ها امکان و فرصت‌های سرمایه‌گذاری مناسب را در اختیار صندوق‌های بیمه‌ای قرار دهند، هم‌زمان با تأمین منابع و منافع این سازمان‌های بیمه‌گر، شرکای اجتماعی این نهاد‌ها از مزایای ایجاد شده ناشی روند‌مذکور و رفاه حاصل از آن بهره‌مند می‌شوند.»

سازوکار کاهش وابستگی بیمه‌ها به بودجه عمومی

این کارشناس بیمه‌های اجتماعی همچنین بر ضرورت کاهش وابستگی صندوق‌های بیمه‌گر به بودجه دولت تأکید کرد و افزود: «وابستگی برخی صندوق‌های بیمه‌ای به منابع بودجه عمومی دولت به جایی رسیده که حجم زیادی از حمایت‌های دولتی را برای استمرار حیات نیاز دارند. عملکرد نامناسب راهبری این نهاد‌های بیمه‌گر در دهه‌های گذشته موجب عدم تناسب تعهدات این صندوق‌ها با منابع و درآمد‌های آنان شده است، به این دلیل وابستگی آنان به بودجه عمومی در سطح بالایی شکل گرفته است. «او اضافه کرد: «پرسش اساسی در ارتباط با حوزه عملکردی بیمه‌های اجتماعی این است که به‌منظور عدم تحقق شرایط مذکور برای دیگر صندوق‌های بیمه‌ای چه باید کرد؟ باید دید از چه راهکاری می‌توان مسیر بهتری برای این نهادهای بیمه‌گر در مسیر پایداری بیمه‌ای ترسیم کرد.»

تأثیر دستمزد بر منابع سازمان‌های بیمه‌گر

به گفته عابدی‌روش منابع سازمان‌های بیمه‌گر نظیر تأمین اجتماعی از موضوع دستمزد تبعیت می‌کنند. سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ سهم هزینه نیروی انسانی از هزینه‌های تولید به میزان ۵۶ درصد برآورد شد، امروز اما سهم نیروی انسانی در هزینه‌های تولید به ۳۴ درصد رسیده و منابع حق بیمه پرداختی به صندوق‌های بیمه‌ای نیز روند کاهشی داشته است. عنصر دستمزد را می‌توان یکی از عوامل اساسی ناترازی بیمه‌های اجتماعی به‌شمار آورد. اعمال دستمزد‌های واقعی و رشد و بازری حق بیمه به صندوق‌ها، امکان رفع ناترازی بیمه‌های اجتماعی را فراهم خواهد کرد.

تضمیمات غیرکارشناسی و ناترازی بیمه‌ای

این کارشناس بیمه‌ای بیان کرد: «از سوی دیگر تصمیمات غیرکارشناسی و بدون توجه به محاسبات بیمه‌ای دولت‌ها نیز بخشی از وضعیت امروز وابستگی برخی صندوق‌های بیمه‌ای و ناترازی این نهاده‌ا به بودجه عمومی را رقم زده است. در نهایت مدیریت و راهبری این صندوق‌ها با علم روز محاسبات بیمه اجتماعی و توجه به منافع عمومی شرکای اجتماعی آنان، کاهش وابستگی بیمه‌گران اجتماعی به بودجه عمومی دولت را موجب خواهد شد.»

او گفت: «دیگر اینکه برخی سیاست‌های دولت‌ها نظیر بی‌توجهی به سهم خدمات درمانی شرکای اجتماعی صندوق‌های بیمه‌ای نظیر تأمین اجتماعی در ایجاد و عمیق‌تر شدن ناترازی‌ها تأثیرگذار است. امروزه سهم ذینفعان سازمان تأمین اجتماعی از منابع سرانه حوزه درمان کشور دیده نمی‌شود و از آنجا که درمان از وظایف دولت‌ها به‌شمار می‌رود، این مهم باید در حوزه عملکردی بیمه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. به گفته عابدی‌روش، هزینه‌های بالای بخش درمان در این نهاده‌ا را باید یکی دیگر از لایل رشد ناترازی‌ها دانست و دولت‌ها باید با تخصیص سهم درمان به جامعه تحت پوشش این صندوق‌ها، علاوه بر عمل به وظایف خود بار کمتری بر عهده بیمه‌های اجتماعی قرار دهد. در این شرایط می‌توان تعهدات و خدمات بهتر و باکیفیت‌تری از این بیمه‌ها انتظار داشت. «او اضافه کرد: «در نهایت اینکه هرکدام از شاخص‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری ناترازی صندوق‌های بیمه‌ای، به مرور زمان باید مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد تا در آینده شاهد کاهش ناترازی و تضمین آینده راهبری این سازمان‌ها باشیم. بازگشت مدیریت کلان بیمه‌های اجتماعی به فرمول محاسبات بیمه‌ای و توجه به مدیریت منابع و مصارف این نهاده‌ا را باید از سازوکارهای اساسی در کاهش ناترازی بیمه‌های اجتماعی مورد توجه داشت.»

تهیه و تصویب ضوابط سرمایه‌گذاری سازمان‌ها و صندوق‌های بازنشستگی در مدت شش ماه پس از ابلاغ برنامه، به نحوی که تا پایان برنامه ۸۰ درصد دارایی‌های صندوق‌ها در قالب سهام غیرمدریتی سودآور باشد.

براساس تجربیات کشورهای دیگر درباره اصلاحات، سرمایه اجتماعی بالا، حضور ذی‌نفعان در طراحی اصلاحات و اجرای تدریجی این فراند با دوره زمانی طولانی باید در دستور کار باشد تا مشمولان صندوق‌های بازنشستگی متناسب با برنامه، امکان تنظیم آینده خود را داشته باشند.

همچنین در راستای عملیاتی کردن این اصلاحات، رعایت عدالت بین‌نسلی باید در اولویت قرار گیرد. کارشناسان بیمه‌های اجتماعی، راهکارهایی انجام اصلاحات را ارائه گزارش‌های استاندارد محاسبات بیمه‌ای از سوی دولت و تراز کردن صندوق‌های بازنشستگی می‌دانند.